

کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی

احمد رشیدی^۱

چکیده

در یک رویکرد واقع‌گرایانه، منافع امنیتی ایران در قفقاز جنوبی در سایه حفظ توازن منطقه‌ای قدرت تأمین می‌شود. بر همین پایه، برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور منجر به برخی نگرانی‌ها در محافل سیاسی و مدنی ایران نسبت به انگیزه‌ها و نتایج این اقدام شده است. مقاله حاضر با تمرکز بر این نگرانی‌ها، تهدیدهای احتمالی ساخت این کریدور علیه منافع ج.ا. ایران را می‌کاود و در این فرایند به این پرسش پاسخ می‌دهد که برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور در بردارنده چه تهدیدهایی علیه منافع ج.ا. ایران است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایجاد کریدور زنگه‌زور در خاک ارمنستان، بر پایه برنامه‌های اعلام‌شده از سوی محور جمهوری آذربایجان-ترکیه، می‌تواند توازن منطقه‌ای قدرت را به ضرر ج.ا. ایران تغییر دهد؛ بنابراین پیشبرد این پروژه تهدیدی امنیتی علیه منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی ج.ا. ایران تلقی می‌شود که اهم موارد آن عبارت‌اند از: امکان تغییر ژئوپلیتیک مرزها از طریق انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان؛ امکان همگرایی ارمنستان با بلوک غرب و تشدید تنهایی استراتژیک ج.ا. ایران؛ کاهش مزیت‌های ترانزیتی ایران در کریدور شمال-جنوب؛ افزایش نفوذ ترکیه در منطقه؛ به مخاطره افتادن حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی از طریق پیشبرد طرح پان‌ترکیستی و احیای قوم‌گرایی آذری؛ تقویت حضور ناتو، اسرائیل و روسیه در مرزهای شمالی کشور. به لحاظ تئوریک این مقاله از چارچوب نظری موازنه قوا در مکتب واقع‌گرایی سود می‌برد و با توجه به اینکه به چرایی مواضع مخالف ج.ا. ایران پاسخ می‌دهد، روش پژوهش از نوع پژوهش‌های تبیینی و علت-کاو است.

واژگان کلیدی:

ایران، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، کریدور زنگه‌زور، منافع امنیتی، توازن منطقه‌ای قدرت.

درجه مقاله: علمی-پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

^۱. عضو گروه علوم سیاسی دانشگاه اراک ahmed.rashidi@gmail.com

مقدمه

سیاست جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی همواره مبتنی بر ایجاد توازن منطقه‌ای قدرت و برقراری صلح بین دو کشور همسایه شمالی (جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان) بوده است. در این چارچوب، احترام به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و حفظ ژئوپلتیک در اولویت سیاست خارجی ایران قرار داشته است. بر همین اساس، هیچ‌گاه حاکمیت ارمنستان بر منطقه قره‌باغ را به رسمیت نشناخت و همسو با قواعد حقوق بین‌الملل و سوابق تاریخی همواره بر اشغالی بودن آن تأکید داشته است. در طول جنگ ۴۴ روزه بین آذربایجان و ارمنستان، این سیاست در موضع‌گیری مقامات سیاسی ایران نمود عینی‌تری یافت. در عالی‌ترین سطح، رهبر جمهوری اسلامی ایران این جنگ را «حادثه‌ای تلخ» توصیف کرد که «بایستی هر چه زودتر پایان یابد و سرزمین‌های اشغالی آذربایجان آزاد شود و دو طرف از مرزهای بین‌المللی تجاوز نکنند» (خبر آنلاین، ۱۳ آبان ۱۳۹۹). از سوی دیگر، گروهی از نمایندگان مجلس و نمایندگان ولی‌فقیه در شمال غرب کشور با صدور بیانیه‌هایی از جمهوری آذربایجان حمایت کردند. در سطح جامعه مدنی نیز همدلی‌های قابل‌ملاحظه‌ای با ملت آذربایجان به‌ویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته شد. متعاقب امضای توافق‌نامه آتش‌بس در نوامبر ۲۰۲۰ برای پایان دادن به مناقشه قره‌باغ، ج.ا.ایران در چارچوب سیاست اصولی خود مبنی بر حفظ صلح و امنیت در قفقاز از این توافق‌نامه استقبال کرد.

بر اساس بند ۹ این توافق‌نامه ارمنستان متعهد شده است که در خاک خود اجازه ایجاد گذرگاهی را بدهد که سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان را به برونگان نخجوان وصل می‌کند. جمهوری آذربایجان این گذرگاه را که کریدور زنگه‌زور می‌نامد، بخشی از طرح ترانزیتی بزرگ‌تر موسوم به کریدور میانی می‌داند که از شرق به غرب کشیده می‌شود و از ترکمنستان، دریای خزر، آذربایجان، نخجوان و ترکیه عبور می‌کند تا به اروپا می‌رسد. برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور منجر به برخی نگرانی‌ها در محافل سیاسی و مدنی ایران نسبت به انگیزه‌ها و نتایج این اقدام شده است. مقاله حاضر با تمرکز بر این نگرانی‌ها، تهدیدهای احتمالی ساخت این کریدور علیه منافع ج.ا.ایران را می‌کاود و در این فرایند به این پرسش پاسخ می‌دهد که برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور دربردارنده چه تهدیدهایی علیه منافع جمهوری اسلامی ایران است. فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته این است که ساخت کریدور زنگه‌زور دربردارنده تهدیدهای امنیتی علیه منافع ژئوپلتیک و اقتصادی ج.ا.ایران است که ممکن است توازن منطقه‌ای قدرت را به ضرر

جمهوری اسلامی تغییر دهد. برای تحلیل تئوریک این فرضیه، مقاله حاضر از چارچوب نظری موازنه قوا در مکتب واقع‌گرایی سود می‌برد. با توجه به اینکه این پژوهش به چرایی مواضع مخالف ج.ا.ایران پاسخ می‌دهد، لذا روش پژوهش از نوع پژوهش‌های تبیینی و علت‌کاو است.

پیشینه پژوهش: کولایی و نوروزی زرمهری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «همکاری ایران، روسیه و آذربایجان در ایجاد راه‌گذر شمال-جنوب و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» استدلال می‌کند همکاری ایران، آذربایجان و روسیه در راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب با تسهیل حمل‌ونقل سبب ارتقای سطح روابط سیاسی ایران با کشورهای اوراسیا، کاهش تهدیدهای منطقه‌ای و افزایش منافع اقتصادی ایران در منطقه می‌شود. کولایی (۱۳۸۷) در مقاله دیگری با عنوان «ژئوپلیتیک انتقال نفت از دریای خزر» استدلال کرده است نیازهای روزافزون جهان صنعتی به منابع انرژی دریای خزر بازی بزرگ جدیدی را در این حوزه به وجود آورده که یادآور رقابت‌های استعماری روس و انگلیس در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است. در این مقاله پیامدهای ژئوپلیتیکی این رقابت‌ها در قفقاز مورد بررسی قرار گرفته است.

سلطانی و خسروی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «کریدور شمال و جنوب و تعاملات ایران و آذربایجان» استدلال می‌کند مؤلفه‌های امنیتی (بحران قراباغ) و تنش‌های شکل گرفته در روابط دو کشور جمهوری آذربایجان و ایران منجر به پرهزینه شدن اجرای بال غربی کریدور شمال-جنوب و جایگزینی آن با کریدورهای دیگر شده است.

سلیمانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «زنگه‌زور، نقطه تعامل یا تقابل»، سیاست‌های هرکدام از کشورهای ارمنستان، آذربایجان، ترکیه و روسیه را در ارتباط با احداث کریدور زنگه‌زور بررسی کرده و نسبت به برنامه این کشورها برای قطع کردن ارتباط مرزی ایران و ارمنستان هشدار داده است. به نظر وی ج.ا.ایران باید از طریق مذاکره و در همکاری نزدیک با روسیه و ارمنستان، ضمن دفع این خطر، پیوند ژئوپلیتیکی را به ادغام اقتصادی تبدیل کند. در غیر این صورت ممکن است منتهی به برخورد نظامی شود که تأمین‌کننده منافع اسرائیل و آمریکا است.

کاظمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «دالان تورانی ناتو علیه کیست» استدلال می‌کند این گذرگاه یکی از برنامه‌های مشترک ناتو و کشورهای ترک است که قرار است با از بین بردن مرز ایران و ارمنستان اتصال جغرافیایی ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی

را در راستای اهداف صهیونیسم بین‌الملل و ناتو تأمین کند و از این طریق منافع حیاتی چین، روسیه و ایران را در حوزه‌های ترانزیتی، انرژی و مسائل قومی به مخاطره اندازد.

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (۱۴۰۰) در یک گزارش تحلیلی با عنوان «دالان زنگه‌زور و امنیت ملی ایران» از طریق جمع‌آوری دیدگاه‌های کارشناسان به این جمع‌بندی می‌رسد که ایجاد کریدور زنگ زور بین آذربایجان و نخجوان از طریق قطع کردن مرز ایران و ارمنستان موجب به هم خوردن ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی و توسعه نفوذ ترکیه و اسرائیل می‌شود.

دهقانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی» استدلال می‌کند رویکرد ایران در این منطقه مبتنی بر منافع اقتصادی و امنیتی و متأثر از الزامات ژئوپلیتیکی است و نه آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک. به نظر وی مهم‌ترین منافع و اهداف امنیتی ایران در قفقاز جنوبی شامل حفظ امنیت مرزها و تمامیت ارضی، وحدت ملی، تأمین امنیت انرژی و توسعه اقتصادی پایدار است. به نظر وی ایران برای تأمین این مقاصد، راهبرد امنیتی چندوجهی را در دستورکار دارد که مهم‌ترین وجه آن موازنه‌سازی و امنیت همکاری جویانه است.

عباسی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ج.آذربایجان بر روابط با ج.ا. ایران» استدلال می‌کنند سردی روابط ج.آذربایجان و ج.ا. ایران متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی است. قرار گرفتن در چهارراه خطوط مواصلاتی جهانی و انتقال انرژی، رقابت بر سر منابع انرژی دریای خزر و انتقال آن به اروپا و مسئله پان‌ترکیسم از جمله مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی است که ضمن جلب توجه قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا و اسرائیل برای حضور در منطقه، موجب گسترش اختلافات دو کشور ایران و آذربایجان شده است.

با در نظر گرفتن این موضوع که مقاله حاضر رویکرد واقع‌گرایانه دارد و در این چارچوب تهدیدهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی ناشی از ساخت کریدور زنگه‌زور علیه منافع ج.ا. ایران را می‌کاود، آثار معرفی‌شده به‌عنوان پیشینه پژوهش را به شرح زیر می‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد و خلأ پژوهش را مشخص و ابعاد نوآوری مقاله را مورد تأکید قرار داد: مقالات کولایی، دهقانی و عباسی و همکاران که در چارچوبی واقع‌گرایانه تدوین شده‌اند تا جایی که بر تأثیر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و سیاست موازنه قوای ج.ا. ایران در منطقه قفقاز جنوبی تأکید دارند، با چارچوب تحلیلی مقاله حاضر همسویی دارند؛ اما موضوع کریدور زنگه‌زور موضوعی جدید و رخدادی ناتمام است که در مقالات فوق به آن پرداخته نشده است و بنابراین تمرکز

پژوهش حاضر نسبت به آن‌ها کاملاً متفاوت است. نقطه تمرکز مقاله کولایی و نوروزی و همچنین مقاله سلطانی و خسروی نیز با مقاله حاضر متفاوت است، اما نتایج آن‌ها با مفروضات پژوهش حاضر همسویی دارد. با این توضیح که هر دو مقاله مذکور ساخت کریدور شمال و جنوب را در پیوند با مسئله امنیت ج.ا.ایران مورد بررسی قرار داده‌اند و لذا به حاشیه رفتن و جایگزین شدن آن با کریدور میانی می‌تواند در بردارنده تهدیدهای امنیتی برای ج.ا.ایران باشد که بررسی آن‌ها نقطه تمرکز مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. سایر مقالات معرفی شده که تمرکز آن‌ها موضوع زنگه‌زور است، عمدتاً صبغه ژورنالیستی (انتشار در سایت‌های خبری) و نگاهی تک‌وجهی دارند و حتی بعضاً دارای سوگیری شناختی می‌باشند؛ بنابراین تمرکز پژوهش حاضر بر روی یک موضوع جدید و در حال وقوع، از یک‌سو و تلاش برای تحلیل علمی و جامع‌نگرانه آثار آن بر منافع ج.ا.ایران و کاربست اصل موازنه منطقه‌ای قدرت در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی، از سوی دیگر، در بردارنده ابعاد نوآورانه برای پژوهش حاضر می‌باشند.

چارچوب نظری: همان‌طور که بیان شد مقاله حاضر در پی بررسی تهدیدهای احتمالی ناشی از ساخت کریدور زنگه‌زور علیه منافع ج.ا.ایران است؛ تهدیدهایی که می‌تواند توازن منطقه‌ای را در قفقاز جنوبی تغییر دهد؛ بنابراین مخالفت ایران با برنامه محور آذربایجان-ترکیه برای ساخت این کریدور، تلاشی برای حفظ توازن منطقه‌ای قدرت تلقی می‌شود. با توجه به این امر، به نظر می‌رسد موازنه قدرت در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایی می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای بنیاد استدلالی این مقاله باشد. برای تبیین این موضوع، ابتدا به بررسی مفهوم و جایگاه موازنه قدرت در نظریه‌های مختلف مکتب واقع‌گرایی می‌پردازیم و سپس چگونگی کاربست و الزامات تحلیلی آن را برای این پژوهش بیان می‌کنیم.

موازنه قدرت همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بوده است. در تمامی ادبیات کلاسیک موضوعاتی از جمله منازعه، جنگ، همکاری و ائتلاف بر مبنای جلوه‌هایی از موازنه قدرت شکل گرفته است. تقریباً تمامی طرفداران رهیافت واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی، از توسیدید گرفته تا مورگنتا، والتز، والت، زکریا، کیسینجر، نیبور و آرون، هرکدام به‌نوعی باورمندی خود را به اصل موازنه قوا اعلام داشته‌اند و یکی از اصلی‌ترین مکانیسم‌هایی که در مکتب واقع‌گرایی بر آن تأکید می‌شود توازن قدرت در سطح بین‌المللی است که در سال‌های بعد از جنگ سرد به حوزه منطقه‌ای نیز گسترش پیدا کرده است؛ یعنی بین موازنه قدرت در سیاست بین‌الملل و توازن منطقه‌ای رابطه معناداری وجود دارد

نظریه‌پردازانی چون مورگنتا و والتز از جمله کسانی هستند که موضوع موازنه قدرت در سطح بین‌المللی را با فرایندهای توازن منطقه‌ای پیوند زده‌اند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۶ و ۱۷۴).
 واقع‌گرایان کلاسیک، مانند مورگنتا، بر این باورند که سیاست توازن منطقه‌ای سیاست حفظ وضع موجود است و بر اساس معادله قدرت شکل می‌گیرد؛ یعنی مهم‌ترین عنصر توازن منطقه‌ای پدیده جوهری به نام قدرت است (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۵). در این چارچوب، هرگونه تلاش برای کسب برتری منطقه‌ای یا بین‌المللی با واکنش سایر بازیگران روبرو می‌شود. تجربه امنیتی و راهبردی کشورها یکی از عوامل اصلی تلاش آنان برای توازن منطقه‌ای است. کشورهایی، مانند ایران، که با مرزهای جغرافیایی گسترده در ژئوپلیتیک تهدید قرار دارند و در ذهنیت تاریخی خود جلوه‌هایی از تهدید را درک کرده‌اند، تلاش می‌کنند تا برای غلبه بر چنین تهدیداتی سیاست حفظ توازن منطقه‌ای را در دستور کار سیاست خارجی و امنیتی خود قرار دهند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

از سوی دیگر، در نظریه‌های نوواقع‌گرایی نیز اصل موازنه قدرت از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این امر بیشتر ناشی از تأکید آن‌ها بر مقوله امنیت است. برخلاف واقع‌گرایان کلاسیک که دولت‌ها را بازیگران قدرت طلب در نظر می‌گیرند، نوواقع‌گرایان آن‌ها را بازیگرانی امنیتی‌جو تلقی می‌کنند؛ یعنی دولت‌ها تا جایی سیاست کسب قدرت را پیگیری می‌کنند که به امنیت برسند؛ بنابراین هدف آن‌ها دستیابی به امنیت است و نه صرفاً کسب قدرت. نوواقع‌گرایی مانند کنت والتز، استفان والت و جان مرشایمر موضوع رقابت بازیگران برای امنیت و متعاقباً ایجاد یا تغییر توازن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد تحلیل قرار داده‌اند.

بر اساس نظریه والتز، چهره شاخص واقع‌گرایی تدافعی، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که از طریق برقراری توازن بین بازیگران امنیت‌جو منازعات و بحران‌های منطقه‌ای کنترل می‌شود (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴). براساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل کشورها را وادار به حفظ موازنه قوا می‌کند. به عبارت دیگر، نخستین دغدغه کشورها بیشینه‌سازی قدرت نیست، بلکه حفظ جایگاه و موقعیتشان در سیستم است. برای نیل به این مقصود، موازنه‌سازی اولین و مهم‌ترین راهبرد کشورهای تدافعی است. تنها در وضعیت معمای امنیتی است که ممکن است دولت‌ها دست به منازعه و حتی اقدام نظامی بزنند. چون در این وضعیت ممکن است دولت‌ها برداشت نادرستی از نیت یکدیگر داشته باشند و ناگزیر خود را درگیر زنجیره‌ای از خصومت و منازعه کنند (دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

استفان والت، شاگرد والتز، تاندازه‌ای اندیشه‌ها را نسبت به اصل توازن قوا تغییر داد. والت برخلاف تصور پذیرفته شده، بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قدرت، بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند؛ بنابراین آنچه تاکنون تحت عنوان توازن قدرت مطرح بوده، در عمل توازن تهدید بوده است. به باور او، دولت‌ها نه در برابر قدرت، بلکه در مقابل تهدید دست به توازن می‌زنند؛ یعنی دولت‌ها فقط به تلاش کشورهای تهدیدکننده پاسخ می‌دهند و نه هر بازیگری که برای کسب قدرت بیشتر تلاش می‌کند (مصلی-نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷). برای مثال، در منطقه قفقاز جنوبی تلاش ترکیه برای پیشبرد برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور ممکن است از سوی گرجستان به عنوان تهدید تلقی نشود، اما همین اقدام ترکیه از سوی ج.ا. ایران تهدید تلقی می‌شود. به نظر والت وقتی دولت‌ها احساس تهدید می‌کنند اقدامات مختلفی را در دستور کار قرار می‌دهند. از جمله، ممکن است بر پایه مفروضات واقع-گرایی کلاسیک از طریق جستجوی قدرت در صدد حفظ موازنه قدرت برآیند و یا اینکه بر پایه مفروضات نواقح گرای برای دستیابی به امنیت به ائتلاف‌سازی و استفاده از نهادها، قواعد و ساخت‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی روی آورند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

درواقع، بحث توازن منطقه‌ای قدرت یکی از نقاط مشترک واقع‌گرایی کلاسیک و واقع-گرایی جدید است. توازن منطقه‌ای نیازمند آن است که کشورها از ابزارهای متنوعی استفاده کنند. در این میان، تاکتیک‌های دفاعی و امنیتی در زمره اصلی‌ترین ابزارهایی هستند که دولت‌ها برای نیل به اهداف خود از آن‌ها بهره می‌گیرند. ضرورت‌های توازن منطقه‌ای ایجاب می‌کند که دولت‌ها از قابلیت‌های درونی خود برای ارتقای ثبات و تعادل در شرایط سه‌گانه رقابتی، همکاری‌جویانه و منازعه‌آمیز استفاده کنند. اگر رفتار دولت‌ها برای ایجاد موازنه مبتنی بر الگوی رقابتی باشد به مفهوم آن است که رهیافت واقع‌گرایی کلاسیک قابلیت توضیح دهندگی آن وضعیت را دارد؛ اگر رفتار دولت‌ها برای ایجاد موازنه مبتنی بر الگوی همکاری‌جویانه (تمرکز بر اتحاد و ائتلاف) باشد رهیافت واقع‌گرایی تدافعی قابلیت توضیح-دهندگی آن وضعیت را دارد؛ و اگر رفتار دولت‌ها برای ایجاد موازنه مبتنی بر الگوی منازعه و انباشت خودیارانه قدرت برای کسب هژمونی باشد رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی از قابلیت توضیح‌دهندگی آن وضعیت برخوردار است (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۶). در عمل، رفتار دولت‌ها را نمی‌توان منحصر در یکی از گزینه‌های سه‌گانه فوق دانست، بلکه ممکن است ترکیبی از آن‌ها را بکار بگیرند و یا اینکه در هر برهه یکی از گزینه‌های فوق را بر سایرین ترجیح دهند.

با مفروض پنداشتن این امر که سیاست موازنه‌سازی ج.ا.ایران در قفقاز جنوبی در وهله نخست بر پایه منافع و ملاحظات ژئوپلیتیکی و اقتصادی استوار است (دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۳)، می‌توان واکنش ج.ا.ایران در قبال احساس تهدید از ناحیه ساخت کریدور زنگه‌زور را در قالب الگوهای سه‌گانه فوق‌دریکی از گزینه‌های زیر متصور بود: الف) ممکن است بر پایه مفروضات واقع‌گرایی کلاسیک ج.ا.ایران صرفاً با اتکا به توانمندی‌های درونی و افزایش قدرت خود بر روی سیاست حفظ موازنه قدرت در منطقه قفقاز جنوبی تمرکز کند؛ ب) ممکن است بر پایه مفروضه‌های واقع‌گرایی تدافعی ج.ا.ایران به ائتلاف با ارمنستان و حتی روسیه، در مقابل محور جمهوری آذربایجان-ترکیه و حتی غرب، روی آورد؛ ج) ممکن است بر پایه مفروضه‌های واقع‌گرایی تهاجمی ج.ا.ایران رویکرد منازعه و اقدام نظامی را برگزیند که البته بعید به نظر می‌رسد؛ د) ممکن است ج.ا.ایران برای حفظ یا تغییر توازن منطقه‌ای ترکیبی از گزینه‌های سه‌گانه را هم‌زمان یا به ترتیب بکار بگیرد. تمرکز اصلی مقاله حاضر بحث بر سر چندوچون انتخاب گزینه‌های فوق و بررسی نتایج آن‌ها نیست، بلکه این است که بگوید ساخت کریدور زنگه‌زور و بهره‌برداری از آن در قالب طرح بزرگ‌تر کریدور میانی تهدیدهای متعددی را متوجه منافع جمهوری اسلامی در این منطقه می‌کند که می‌تواند توازن منطقه-ای را به ضرر ایران تغییر دهد و بر این پایه است که ج.ا.ایران با ساخت کریدور زنگه‌زور در خاک ارمنستان مخالفت می‌کند. بنیاد این استدلال با بنیادهای نظریه نوواقع‌گرایی والت سازگاری بیشتری دارد. بررسی احتمالات رفتاری ج.ا.ایران در مخالفت با ساخت این کریدور مورد تمرکز این مقاله نیست و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

ادامه اختلاف بر سر حاکمیت منطقه قره‌باغ منجر به آغاز جنگ دوم بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ گردید. طی این جنگ که ۴۴ روز طول کشید برتری نسبی با نیروهای جمهوری آذربایجان بود. آن‌ها توانستند بخش‌های مهمی از منطقه قره‌باغ از جمله شهر استراتژیک شوشا را به تصرف درآورند. سرانجام دو طرف با میانجی‌گری روسیه در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ به آتش‌بس رضایت دادند و توافقنامه‌ای را برای این منظور و حل‌وفصل اختلافات امضا کردند. طبق این توافقنامه دو طرف پذیرفتند که به درگیری نظامی پایان دهند و ارمنستان ضمن به رسمیت شناختن حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مناطق تصرف‌شده، متعهد شد مناطق آغدام، کلبجار و لاجین قره‌باغ را نیز تخلیه و به آذربایجان مسترد کند. بر اساس بند ۴ توافقنامه مقرر گردید اجرای این کار تحت نظارت

نیروهای روسی صورت پذیرد و نیروهای حافظ صلح روسی در خط تماس نیروهای دو کشور مستقر شوند.

از جمله موارد مناقشه‌برانگیز این توافقنامه گشایش خطوط ترانزیتی و احداث گذرگاه‌های جدید در خاک دو کشور است. بر اساس بند ۶ توافق‌نامه مقرر است کریدور لاجین (با عرض ۵ کیلومتر) از طریق خاک آذربایجان منطقه خودمختار آرتساخ را به خاک اصلی ارمنستان وصل کند و طی سه سال کریدور جدیدی برای این منظور ساخته شود و نیروهای روسیه برای حفاظت از آن در این مسیر مستقر شوند. بر اساس این بند از توافق‌نامه جمهوری آذربایجان متعهد شده است که امنیت ترانزیت در امتداد این کریدور را تضمین کند.

از سوی دیگر، بر اساس بند ۹ توافق‌نامه مقرر است «تمام ارتباطات اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه رفع انسداد شود. جمهوری ارمنستان امنیت ترانزیت بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به‌منظور ساماندهی تردد بدون مانع افراد، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین کند و نیروهای روسی بر ارتباطات ترانزیتی نظارت داشته باشند.» طبق توافق طرفین، «راه ارتباطی جدید برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان با مناطق غربی آذربایجان ساخته می‌شود.» (PRW, 2020). این گذرگاه از استان سیونیک ارمنستان که هم‌مرز جمهوری اسلامی ایران است، می‌گذرد و به کریدور زنگه‌زور موسوم است.

کیفیت ساخت این گذرگاه در توافق‌نامه آتش‌بس مبهم است و به گفته پوتین به مذاکرات بعدی واگذار شده است. مقامات سه کشور طرف توافق‌نامه آتش‌بس برای بحث در خصوص کیفیت ساخت این گذرگاه چندین بار دیدار کرده‌اند، اما تا به امروز (فوریه ۲۰۲۳) پیشرفت قابل توجهی در این زمینه حاصل نشده و بدین ترتیب موضوع زنگه‌زور تبدیل به محل جدیدی برای مناقشه شده است. از یک‌سو، جمهوری آذربایجان، با حمایت ترکیه، همچنان بر برنامه‌های خود مبنی بر اجرای «کریدور زنگه‌زور» پافشاری می‌کند و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این کشور به‌دنبال ایجاد یک کریدور ژئوپلیتیک است. آذربایجان پروژه‌های ساخت‌وساز را در قلمروی خود آغاز کرده و آن‌ها را به‌عنوان بخشی از اجرای کریدور زنگه‌زور معرفی و تهدید کرده است که اگر ارمنستان نپذیرد، «آذربایجان به‌زور در مورد آن تصمیم می‌گیرد» (Jamnews, 2021). از سوی دیگر، ارمنستان اعلام کرده است که

تنها مایل به بازگشایی خطوط حمل‌ونقل ریلی سابق است^۱ و بحث بر اساس «منطق کریدور» را نمی‌پذیرد (Tass, 2022). روسیه موضع روشن و شفاف‌ی در مورد کریدور زنگه‌زور اتخاذ نکرده است (شرق، ۱۴۰۱)؛ اما چنین برمی‌آید که مخالف پیشبرد این پروژه نیست؛ زیرا امضای روسیه پای توافق آتش‌بس است و از آنجا که قرار است این گذرگاه از سوی نظامیان روس کنترل و نظارت شود، می‌تواند منافع خاصی برای روسیه به همراه داشته باشد.



نقشه گذرگاه زنگه‌زور به (رنگ تیره) که حدود ۴۰ کیلومتر آن از خاک ارمنستان می‌گذرد. در نقشه فوق، مسیر کریدور میانی از باکو تا شهر کارس در ترکیه ترسیم شده است. در این مسیر، از نقطه هورادیز (Horadiz) تا اردوباد (Ordubad) به گذرگاه زنگه‌زور موسوم است که حدود ۴۰ کیلومتر آن از خاک ارمنستان می‌گذرد. (منبع: خبرگزاری آناتولی ترکیه)

^۱ در زمان اتحاد جماهیر شوروی، دو خط راه‌آهن برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان شوروی به قلمرو اصلی آذربایجان شوروی استفاده می‌شد. یکی، خط جنوبی که در سال ۱۹۴۱ ساخته شده و از منطقه سیونیک ارمنستان عبور می‌کند؛ دیگری خط شمالی است که در دهه ۱۹۸۰ ساخته شده و ایروان را به باکو و روسیه متصل می‌کند. هر دو خط از سال ۱۹۹۲ به دلیل درگیری قره‌باغ بسته شدند.

۱. تغییر ژئوپلیتیک مرزها؛ انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان. طرح مبادله ارضی بین ارمنستان و آذربایجان که منتج به قطع شدن مرز زمینی ایران با ارمنستان می‌شود، مسبوق به سابقه است. اولین بار پل گوبل، مقام سیاسی - امنیتی ایالات متحده، این طرح را پیشنهاد کرد و بر این پایه ترکیه در سال ۱۹۹۲ «مفهوم دالان دوگانه» را مطرح کرد. چند سال بعد مقامات آذربایجان و ارمنستان در همین چارچوب درخصوص طرح «مبادله اراضی» مذاکره کردند که به خاطر مخالفت‌های داخلی در هر دو کشور به نتیجه نرسید. بر اساس این طرح آذربایجان حاکمیت ارمنستان بر قره‌باغ کوهستانی را به رسمیت می‌شناخت و درازای آن ارمنستان حاکمیت بخشی از استان سیونیک در منطقه مرزی ایران را به منظور ساخت کریدوری که به زنگه‌زور موسوم است به آذربایجان واگذار می‌کرد (Winrow, 2000: 12).

تحلیل مضمون مجموعه واکنش‌های محافل ایرانی چه در سطح مقامات و چه در سطح کارشناسی در خصوص برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور نشان می‌دهد بیشترین نگرانی یا احساس تهدید ناشی از احتمال تغییر ژئوپلیتیک مرزها و قطع شدن مرز زمینی ایران و ارمنستان است. منشأ این نگرانی نوع تفسیر مقامات جمهوری آذربایجان از متن توافقنامه آتش‌بس و برنامه‌های آن‌ها برای ساخت کریدور است. همان‌طور که در صفحات قبل گفته شد، بر اساس این توافقنامه دو گذرگاه برای اتصال مناطق خودمختار برونگان دو کشور به خاک اصلی آن‌ها ساخته می‌شود. یکی کریدور لاجین است که خاک اصلی ارمنستان را به منطقه ارمنی‌نشین قره‌باغ (منطقه خودمختاری که ارمنی‌ها آن را آرتساخ می‌نامند) وصل می‌کند. رژیم حاکم بر این کریدور در توافقنامه آتش‌بس بدین صورت مشخص شده است: کریدوری به عرض پنج کیلومتر که از خاک آذربایجان می‌گذرد و این کشور موظف به تأمین امنیت آن است، درحالی که حق نظارت بر ترانزیت آن را ندارد و نیروهای روسی مستقر در محل مأمور حفاظت از آن خواهند بود. دیگری کریدور زنگه‌زور است که خاک اصلی جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان (استان سیونیک در مرز ایران) به منطقه برونگان نخجوان وصل می‌کند. در متن توافقنامه تنها به نظارت نیروهای روس به ترانزیت در این کریدور تصریح شده و اشاره‌ای به سایر جزئیات رژیم حاکم و چگونگی ساخت این کریدور نشده و به مذاکرات آتی موکول شده است. تفسیر مقامات جمهوری آذربایجان این است که کریدور زنگه‌زور درازای کریدور لاجین است و رژیم حاکم بر آن‌ها نیز باید یکسان باشد؛ یعنی ارمنستان باید حق نظارت خود در امتداد کریدور زنگه‌زور را به جمهوری آذربایجان واگذار

کند. الهام علی‌اف تهدید کرده است در صورتی که ارمنستان با این موضوع موافقت نکند به‌زور متوسل خواهد شد (Bakir, 2022). این موضع جمهوری آذربایجان با حمایت همه‌جانبه ترکیه همراه است. به گفته شیرین هانتر، استاد علوم سیاسی آمریکایی-ایرانی، ترکیه مدت‌هاست که می‌خواهد، از طریق حذف دسترسی ایران به ارمنستان، ارتباط زمینی مستقیم با آذربایجان و سپس آسیای میانه داشته باشد. به باور وی، اگر برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور منجر به قطع مرز زمینی ایران و ارمنستان شود آنگاه تنش‌ها اوج خواهد گرفت» (Shalaby, 2021).

در ایران، رویکرد جمهوری آذربایجان در سطح گسترده برنامه‌ای برای تغییر ژئوپلیتیک مرزها و قطع ارتباط زمینی ایران با ارمنستان تفسیر شده و بر این پایه واکنش‌های شدیدی را در کلیه سطوح برانگیخته است. در یک اقدام عملی ج.ا.ایران مبادرت به دایر کردن کنسولگری در استان مرزی سیونیک ارمنستان کرد تا بدین طریق بر سر راه جدایی این استان از ارمنستان مانعی ایجاد کرده باشد. در ادامه سپاه پاسداران نیز در اواخر مهرماه ۱۴۰۱ از طریق برگزاری «رزمایش اقتدار» در امتداد رود ارس پیام هشدار نسبت به هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک‌ها مرزها فرستاد (تقوایی، ۱۴۰۱). در محافل کارشناسی، رسانه‌های گروهی و فضای مجازی نیز این بعد از مخالفت‌ها دامنه وسیعی داشت. در واکنش به اقدامات ایران، جمهوری آذربایجان نیز با مشارکت ترکیه و پاکستان مبادرت به برگزاری رزمایش کرد و بر این موضع پافشاری کرد که ارمنستان درازای منافع اقتصادی و دسترسی به منطقه قره-باغ کوهستانی، سرانجام با برنامه ساخت کریدور موافقت خواهد کرد. این در حالی است که ارمنستان اعلام کرده است «منطق کریدور» را نمی‌پذیرد و اجازه تغییر مرزها را نخواهد داد (Tass, 2022).

۲. همگرایی ارمنستان با بلوک غرب و تشدید تنه‌هایی استراتژیک ایران. در میان همسایگان ج.ا.ایران، تنها رابطه با ارمنستان است که از پایداری و پویایی مطلوبی برخوردار بوده و تا حدی صبغه راهبردی داشته است. عمق این رابطه بیشتر از آنکه محصول دیپلماسی فعال و پیشبرد سیاست همسایگی ایران باشد، مدیون الزامات ژئوپلیتیک حاکم بر ارمنستان است که بدون دسترسی به آب‌های آزاد، از شرق و غرب بین دو دشمن آذربایجان و ترکیه محصور شده است. ارمنستان برای خروج از این محاصره و دسترسی به آب‌های آزاد و بهره‌مندی از مزایای قرار گرفتن در ترانزیت شمال - جنوب مجبور بوده است روابط خوبی با ایران در جنوب و گرجستان در شمال داشته باشد. اجرای توافقنامه آتش‌بس و ساخت

کریدور زنگه‌زور به‌نحوی که با عادی‌سازی مناسبات با دو کشور آذربایجان و ترکیه همراه باشد، می‌تواند ارمنستان را از این محاصره خارج و به‌عنوان یک حلقه‌کلیدی در کریدور بین‌المللی شرقی-غربی (کریدور میانی که در کوتاه‌ترین مسیر از اروپا تا چین امتداد می‌یابد و مورد حمایت کشورهای غربی است) ادغام کند. در چنین شرایطی نیاز راهبردی و ژئوپلیتیک ارمنستان به ایران کاهش می‌یابد و این امکان وجود دارد که در اتحاد با دولت‌های غربی در سمت مقابل ج.ا. ایران بایستد و بدین ترتیب تنهایی استراتژیک ایران کامل شود. سرخوردگی ارمنی‌ها از روسیه به خاطر عدم پشتیبانی از ارمنستان در جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ و سرگرم بودن روسیه در جنگ اوکراین، از یک‌سو و تشدید تحریم‌های هسته‌ای و گسترش دامنه اعتراضات داخلی در ایران، از سوی دیگر، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که می‌تواند موجب واگرایی ارمنستان از محور روسیه-ایران شود و هم‌زمان دولت غرب‌گرای این کشور را به سمت عادی‌سازی روابط با ترکیه و آذربایجان و اتحاد با کشورهای غربی سوق دهد. به‌علاوه، نیاز کشورهای غربی به انرژی دریای خزر و ضرورت کاهش وابستگی استراتژیک آن‌ها به روسیه در زمینه انرژی و ترانزیت، اروپا و آمریکا را برای عادی‌سازی روابط ارمنستان و آذربایجان و ساخت کریدور زنگه‌زور- به‌عنوان بخشی از طرح بزرگ‌تر کریدور میانی- به تکاپو درآورده است. همان‌گونه که استیفن بلنک، متذکر شده است کریدور زنگه‌زور بهترین راه کشورهای غربی برای «دور زدن محاصره مسیرهای حمل‌ونقل جهانی از سوی روسیه است و این امر مستلزم پذیرش و تعهد ارمنستان به مشارکت با غرب است» (Blank, 2022). برگزاری نشست مقامات عالی ترکیه، آذربایجان و ارمنستان در حاشیه نشست جامعه سیاسی اروپا (EPC) در پراگ در اکتبر ۲۰۲۲ بخشی از نتایج تلاش‌های کشورهای غربی در این راستا می‌باشد (Bakir, 2022).

از سوی دیگر، کشورهای ترکیه و آذربایجان نیز همواره ارمنستان را برای عادی‌سازی روابط و همگرایی با این کشورها تشویق می‌کنند که یکی از لوازم آن همکاری در ساخت و بهره‌برداری از کریدور زنگه‌زور می‌باشد. برای مثال، در یک گزارش تحلیلی که در خبرگزاری آناتولی ترکیه (TRT) منتشر شده، منافع ارمنستان از فعالیت کریدور زنگه‌زور به این شرح برشمرده شده است: «نخست اینکه در مسیر جاده ابریشم قرار می‌گیرد. دوم، از لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بر منطقه مشرف می‌شود. سوم، عبور خطوط لوله و ترانزیت کالا و مسافر از خاک ارمنستان، این کشور را از نظر اقتصادی منتفع می‌سازد. چهارم، با توجه به بحران و جنگ اوکراین، ارمنستان نمی‌تواند از منابع انرژی روسیه به‌خوبی استفاده کند و لذا

وابستگی شدیدی به ایران در زمینه برق و انرژی‌های فسیلی دارد. این کریدور باعث می‌شود آذربایجان درازای آن، انرژی ارزان‌تر به ارمنستان بدهد. پنجم، این کریدور ارمنستان را از حالت بلوکاژ کنونی خارج می‌کند و به آذربایجان و ترکیه متصل می‌کند. ششم، باکو درازای زنگه‌زور، کریدور لاپچین را به ارمنستان خواهد داد تا آرامنه که فعلاً در خانکندی مانده‌اند به این کشور متصل بمانند» (سلیمی، ۲۰۲۲)

در صورت خروج ارمنستان از محور اتحاد با ج.ا.ایران، فرصت همگرایی در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی نیز برای ایران تضعیف می‌شود؛ زیرا ارمنستان تنها عضو رسمی این اتحادیه است که با ایران مرز مشترک دارد و از این منظر به‌عنوان دروازه ورود ایران به این اتحادیه تلقی می‌شود (Veliyev, 2022). البته، در این میان باید توجه داشت که طی سال‌های گذشته ج.ا.ایران در رقابت با ترکیه برای به دست آوردن بازارهای ارمنستان موفق نبوده است. در صورت عادی شدن روابط ارمنستان و ترکیه، بی‌تردید ترکیه گوی سبقت را در این زمینه از ایران خواهد ربود. حجم صادرات ترکیه به ارمنستان، در شرایطی که مرزهای دو کشور مسدود و روابط سیاسی‌شان قطع است، تقریباً با حجم صادرات ایران به ارمنستان برابری می‌کند. با در نظر گرفتن این واقعیت می‌توان حدس زد که پس از برقراری روابط و گشوده شدن مرزهای دو کشور وضعیت چگونه خواهد بود (سلیمانی، ۱۴۰۱).

۳. کاهش مزیت‌های ترانزیتی ایران. ایران دارای یک سری مزیت‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک در خطوط ترانزیت بین‌المللی است که در صورت فعال شدن حلقه زنگه‌زور و تکمیل پروژه بزرگ‌تر کریدور میانی از دست می‌رود. مزیت ایران قرار گرفتن در مسیر ترانزیت بین‌المللی شمال-جنوب است (کولایی و نوروزی، ۱۴۰۰: ۷۹۲). برای بهره‌برداری از این مزیت ترانزیتی، ایران برنامه‌های متعددی را در دست اجرا دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به توسعه بندر چابهار با همکاری هند، توسعه خطوط ترانزیتی با آسیای میانه، توسعه راه‌آهن شمال-جنوب و اتصال آن از رشت به آستارا در جمهوری آذربایجان، توسعه کریدور «مهری-ایروان-تفلیس-دریای سیاه» و پروژه‌های ترانزیتی دیگر اشاره کرد که شرق آسیا و آسیای میانه را از طریق ایران-قفقاز (به‌ویژه از مسیر ارمنستان-گرجستان-دریای سیاه) به اروپا متصل می‌کند (کولایی، ۱۴۰۱: ۲۱۶-۲۱۵؛ سلطانی و خسروی، ۱۴۰۱: ۱۵). فعال شدن کریدور میانی که مستلزم ساخت حلقه زنگه‌زور است مزیت رقابتی ترانزیت از طریق ایران را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا مسیر کریدور میانی کوتاه‌تر است و کشورهای غربی نیز از آن حمایت می‌کنند (Veliyev, 2022). در این میان نقش

تحریم‌های هسته‌ای و ناپایداری اوضاع داخلی ایران به خاطر اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ را نباید در ارتقا مزیت کریدور میانی نسبت به کریدور شمال-جنوب نادیده گرفت (Ketanci, 2022). کشورهای غربی کریدور میانی را به کریدور شمالی نیز ترجیح می‌دهند که از روسیه می‌گذرد؛ زیرا از این طریق می‌توانند علاوه بر ایران، روسیه را نیز دور بزنند. اروپا بر این باور است که کریدور میانی به‌واسطه انتقال مستقیم منابع انرژی دریای خزر به اروپا موجب کاهش وابستگی آن‌ها به ترانزیت انرژی از روسیه و کاهش مزیت رقابتی کریدور شمالی می‌شود.

فریدون برکشلی، رئیس دفتر مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی وین، در ارزیابی پروژه کریدور زنگه‌زور و پیامدهای آن برای ایران می‌گوید: هدف دالان زنگه‌زور حذف مسیر ایران برای انتقال نفت یا گاز به ترکیه از آذربایجان است؛ یک طرح بیست‌ساله که ترکیه، کشورهای غربی، اسرائیل و آذربایجان آن را به‌عنوان یک پروژه استراتژیک در دست اجرا داشتند و منتظر فرصت و شکل‌گیری نظم نوین منطقه دریای خزر بودند. پس از جنگ ارمنستان و آذربایجان و توافق ایروان برای واگذاری قره‌باغ طرح شتاب بیشتری پیدا کرد... در چهارچوب این طرح تقریباً تمام گاز دریای خزر به سمت ترکیه و از آنجا به اروپا و مدیترانه متصل می‌شود (برکشلی، ۱۴۰۱).

بنابراین، تکمیل پروژه فوق‌نه‌تنها طرح کریدور شمال-جنوب ایران را در سامانه ترانزیت بین‌المللی به حاشیه می‌راند، بلکه می‌تواند ایران را از نقشه طرح کمر بند-راه چین حذف کند (Ketanci, 2022). به‌علاوه، با فعال شدن کریدور زنگه‌زور وابستگی ترکیه و آذربایجان به ترانزیت از خاک ایران از بین می‌رود و بدین ترتیب ایران از این مزیت ژئواکونومیک و درآمدهای حاصل از عوارض عبور کامیون‌های این کشورها محروم می‌شود. ترانزیت ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای میانه عمدتاً به‌وسیله کامیون از طریق ایران صورت می‌گیرد و سالانه بیش از ۴۳ هزار کامیون ترکیه از ایران به آسیای میانه عبور می‌کنند (Veliyev, 2022). جمهوری آذربایجان نیز در شرایط انسداد مرز زمینی خود با ارمنستان، برای ترانزیت کالا و مسافر به نخجوان به ایران وابسته است. با از بین رفتن وابستگی‌های ترانزیتی این کشورها به ایران در نتیجه آغاز به کار کریدور زنگه‌زور یا عادی‌سازی روابط با ارمنستان، ایران از درآمدهای ناشی از آن محروم می‌شود. در این حالت، ترکیه و آذربایجان حتی می‌توانند بنا به اقتضائاتی در مسیر ترانزیت ایران به اروپا اخلاص ایجاد کنند. به باور مجتبی بهاروند، رئیس سابق کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی ایران، «با احداث این کریدور، نه‌تنها برخی مزیت‌های اقتصادی ایران از دست می‌رود، بلکه در

آینده نیز ایران فرصت صادرات به اروپا را باخته است. ترکیه وقتی ببیند کالاهایش دیگر از مسیر ایران ترانزیت نمی‌شوند، قطعاً برای صادرات کالاهای ایران به اروپا مشکل‌آفرینی خواهد کرد؛ ترکیه بارها نشان داده است که اگر موقعیت داشته باشد، شاهرگ‌های اقتصادی ایران را قطع می‌کند و با هزینه سنگینی که برای ترانزیت خواهد گرفت، صادرات به اروپا را از صرفه اقتصادی خارج می‌کند» (شرق، ۱۴۰۱)؛ بنابراین افتتاح کریدور می‌تواند مزیت‌های بزرگ ترانزیتی و اقتصادی ایران را برای همیشه از بین ببرد و شاهراه حمل‌ونقل منطقه را در اختیار جمهوری آذربایجان و ترکیه قرار دهد.

خلاصه اینکه، تکمیل حلقه زنگه‌زور و فعال شدن کریدور میانی، از طریق از بین بردن مزیت‌های رقابتی عبور کریدور شمال- جنوب از ایران و حتی ایزوله کردن آن از طرح کمربند- جاده چین، به شدت منافع ایران را تهدید می‌کند. ساخت پروژه زنگه‌زور ممکن است موجب قطع شدن مسیر ترانزیت ایران با گرجستان و دریای سیاه و عدم تحقق پروژه کریدور اقیانوس هند- دریای عمان- خلیج فارس- ایران- ارمنستان- گرجستان- دریای سیاه و ترکیه شود و موجب وابستگی ایران به خطوط حمل‌ونقلی آذربایجان و ترکیه گردد (ketanci, 2022؛ سلیمانی ۱۴۰۱). به باور سفیر پیشین ایران در باکو، حتی اگر ایران بتواند در بهترین حالت در کریدور میانی ادغام شود، بازهم منافع کریدور شمال- جنوب برای ایران بسیار بیشتر از مزیت‌های این ادغام است (پاک‌آیین، ۱۴۰۰)؛ بنابراین به نظر می‌رسد مخالفت ج.ا.ایران با ساخت کریدور زنگه‌زور تلاشی واقع‌گرایانه در چارچوب سیاست حفظ موازنه قدرت در منطقه برای پیشبرد منافع ایران است.

۴. نفوذ فزاینده ترکیه در منطقه. ج.ا. ایران شدیداً از ناحیه نفوذ فزاینده ترکیه در منطقه احساس تهدید می‌کند و در چارچوب قاعده بازی جمع جبری صفر که ویژگی غالب فرهنگ راهبردی ایران است، قدرت‌یابی ترکیه را مساوی با تضعیف قدرت خودارزیابی می‌کند. از این رو، در تلاش است تا اقدامات و ابتکارات لازم را برای حفظ موازنه قدرت در پیش گیرد. برای پیشبرد این هدف در منطقه قفقاز فراتر از اقدامات ایجابی و فعالانه، با هدف برهم زدن برنامه‌های قدرت‌های رقیب (محور ترکیه- آذربایجان) دست به یک سری اقدامات سلبی نیز می‌زند. مخالفت با برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور را می‌توان در چارچوب اقدامات سلبی ج.ا.ایران برای مقابله با هژمون‌یابی منطقه‌ای ترکیه ارزیابی کرد. منطقه قفقاز همواره محل نزاع روس‌ها، ایرانی‌ها و ترک‌ها بوده است، اما امروزه با توجه به درگیری روسیه در اوکراین کفه ترازوی قدرت به سمت ترکیه سنگینی می‌کند و به نظر می‌رسد با اجرای

برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور ترکیه می‌تواند این موقعیت را تا حدود زیادی نهادینه کند. برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که حتی ارمنستان نیز به سمت ترکیه گرایش پیدا کرده و دولت غرب‌گرای پاشینیان خواهان عادی‌سازی روابط با این کشور است تا از این رهگذر از زیر نفوذ محور روسیه- ایران رها شود. به باور آن‌ها موافقت با تخلیه قره‌باغ را باید در این چارچوب مورد تحلیل قرار داد که در ادامه می‌تواند به موافقت با ساخت کریدور زنگه‌زور مطابق با برنامه‌های محور ترکیه- آذربایجان منتهی شود. (سلیمی، ۲۰۲۲). ترکیه و آذربایجان روابط بسیار نزدیک برقرار کرده‌اند و برنامه‌های ناسیونالیستی بلندپروازانه‌ای را در کلیه سطوح پیگیری می‌کنند (کولایی، ۱۴۰۱: ۲۱۷). در جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ، ترکیه این متحد خود را به‌طور همه‌جانبه مورد حمایت قرار داد. حتی در فرآیند آن دست به اقداماتی زد که در تقابل با خطوط قرمز منافع ج.ا.ایران بود که از جمله آن‌ها می‌توان به وارد کردن شبه‌نظامیان سوری مخالف رژیم بشار اسد برای جنگیدن به نفع جمهوری آذربایجان در امتداد مرزهای شمالی ایران اشاره کرد. به‌علاوه، ترکیه و آذربایجان به‌طور منظم رزمایش‌های مشترک برگزار می‌کنند که آخرین آن رزمایش «عقاب قفقازی ۲۰۲۲» بود که در ۵ سپتامبر در شهر گنجه برگزار شد. قبل از آن، در ماه ژوئن ۲۰۲۲ رزمایش مشترکی در منطقه نخجوان در نزدیکی مرز ایران برگزار کرده بودند که به‌عنوان تلاش ترکیه برای ارسال پیام‌های تهدید به تهران تلقی شد. این اقدامات ترکیه از سوی ایران بعضاً تلاش برای جبران شکست در جبهه سوریه تلقی می‌شود.

آنچه مسلم است، این است که ترکیه پس از توافقنامه آتش‌بس قره‌باغ جایگاه خود در منطقه قفقاز جنوبی را به‌عنوان یک فاتح می‌بیند که نشانه بارز آن را می‌توان در بیانیه رهبران آذربایجان و ترکیه در شهر شوشی مشاهده نمود. همچنین باید توجه داشت که ترکیه از دیرباز در رویای رسیدن به منابع نفتی و منابع فسیلی دریای خزر بوده است و اکنون با همراهی باکو و ابتکار ساخت کریدور زنگه‌زور این رویای دیرینه را محقق می‌بیند (مصطفوی، ۱۴۰۰). بر همین پایه، ج.ا.ایران بر این باور است که کریدور زنگه‌زور اساساً یک پروژه مشترک است که نتیجه آن تضعیف و تهدید منافع ج.ا.ایران در رقابت با ترکیه در سطح منطقه‌ای و به‌تبع در سطح بین‌المللی است. بر اساس این رویکرد است که دیپلمات پیشین ایران، ابوالفضل ظهروه‌وند، استدلال می‌کند حتی در صورتی که این کریدور مرز زمینی ایران و ارمنستان را قطع نکند و «از زیرزمین عبور کند باز ما مشکل خواهیم داشت، زیرا آن تنها راه ایران برای اقدام علیه ترکیه است» (Valiyev, 2022).

۵. پیشبرد طرح پان ترکیستی و احیای قوم‌گرایی آذری. با توجه به ماهیت چند قومی جامعه ایران، گسترش احساسات قوم‌گرایانه و گرایش‌های جدایی‌طلبانه همواره به‌عنوان یکی از نگرانی‌های امنیتی اصلی این کشور بوده است. بر این پایه، مناقشه قره‌باغ به‌عنوان یک منبع ناامنی نگریسته شده است که می‌تواند احساسات قوم‌گرایانه را تحریک کند و قدرت‌های خارجی از این احساسات و گرایش‌های قوم‌مدارانه برای بی‌ثبات‌سازی کشور و سپس نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آن بهره‌برداری کنند (دهقانی، ۱۳۸۹: ۲۱۹). از این رو، تحریک احساسات قوم‌گرایی آذری همواره یکی از عوامل تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان بوده است. بلافاصله پس از فروپاشی شوروی، ایران با به رسمیت شناختن استقلال جمهوری آذربایجان تلاش کرد بر مبنای پیشینه تاریخی و مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی مشترک روابط خوبی با دولت و ملت آذربایجان برقرار کند و در همین چارچوب برای حل و فصل بحران قره‌باغ کوشید؛ اما با به قدرت رسیدن ابوالفضل ایلچی‌بیگ در آذربایجان که خواستار اتحاد آذری‌ها در دو سوی ارس و تشکیل «آذربایجان یکپارچه» بود، روابط تهران-باکو به سردی گرایید (حسینی تقی‌آباد و علی زاده، ۱۳۹۸: ۱۵؛ افضل‌ی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵۹). از آن زمان تا به امروز در دوره‌های حساس تاریخ روابط دو کشور، مسئله ملی‌گرایی آذری همچون آتشی از زیر خاکستر خودنمایی کرده و تنور تنش‌ها را گرم کرده است. در این میان، ج.ا. ایران، آذربایجان را به حمایت از گرایش‌های جدایی‌طلبانه در استان‌های شمال غربی متهم می‌کند.

با امضای توافق‌نامه آتش‌بس و پایان جنگ قره‌باغ، به نظر می‌رسد معادلات سیاسی در منطقه قفقاز جنوبی به سرعت در حال تغییر است و در این میان برنامه ساخت کریدور زنگه-زور تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تغییر این معادلات خواهد داشت. به اعتقاد برخی از کارشناسان حوزه مطالعات قفقاز، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کریدور زنگه‌زور اتصال جهان ترک و تقویت وحدت آن‌ها بر محور ترکیه است. به عبارت دیگر، جغرافیای پراکنده کشورهای ترک‌زبان از طریق ساخت این کریدور به‌عنوان بخشی از کریدور حمل‌ونقل ترانس کاسپین^۱ (کریدور میان‌ی) به هم متصل می‌شود (ketanci, 2022). از اظهارات مقامات کشورهای آذربایجان و ترکیه چنین برمی‌آید که آن‌ها در چارچوب برنامه ساخت این کریدور به دنبال پیشبرد یک طرح پان ترکیستی مبنی بر «اتحاد جهان ترک» هستند. علی‌اف هنگام میزبانی اردوغان در زنگلان در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱ گفت: «کریدوری که قرار است از اینجا بگذرد، کل جهان ترک را

^۱. Trans-Caspian Transport Rout (CTN).

متحد خواهد کرد» وی این موضوع را در نشست سازمان کشورهای ترک در ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱ تکرار کرد و افزود: «این کریدور برای کشورهای ترک به یک حلقه ارتباطی با اروپا تبدیل خواهد شد» (Morning Express, 2021).

مسئله اتحاد کشورهای ترک، هرازگاهی با اظهاراتی درزمینه اتحاد شاخه آذری همراه بوده است. از جمله، الهام علی‌اف و اردوغان هرازگاهی این موضوع را مورد اشاره قرار داده‌اند که با واکنش تند مقامات ایرانی مواجه شده است. علی‌اف در نشست سران سازمان کشورهای ترک در سمرقند در سال ۲۰۲۲ در حمایت از آذری‌های ایران به حق تحصیل به زبان مادری و تقویت پیوندهای تاریخی بین «آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی» تأکید کرد و بدین‌صورت تلویحاً از «ایده آذربایجان واحد» دفاع نمود (Mammadli, 2023). رجب طیب اردوغان نیز در دفاع از این ایده، در جریان سفر به باکو در دسامبر ۲۰۲۰ در مراسم رژه نیروهای آذربایجان به مناسبت پایان اشغال قره‌باغ شعری خواند که خشم طرف ایرانی را برانگیخت. در این شعر ابراز تأسف می‌شود که چگونه رود ارس در مرز ایران و آذربایجان، آذری‌زبانان دو کشور را از هم جدا کرده است.^۱ این اظهارات در سطح رسمی واکنش وزیر امور خارجه ایران را به همراه داشت و محمدجواد ظریف در توییتهی نوشت: «به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادری‌شان ایران است! آیا او نفهمید که علیه استقلال جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟». در ادامه، سفیر ترکیه در تهران به وزارت امور خارجه احضار و هشدار داده شد که جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌کس اجازه مداخله در مورد تمامیت ارضی خود را نمی‌دهد. (کبنانیوز، ۲۱ آذر ۱۳۹۹) این اقدام نشان داد که تهران تا چه حد می‌تواند در مورد تلاش‌های ملی‌گرایانه آذری، به‌ویژه از سوی ترکیه و آذربایجان، حساس باشد. از این‌رو نگران است ساخت کریدور زنگه‌زوز موجب نفوذ فزاینده آذربایجان و ترکیه در مرزهای شمالی کشور شود و متعاقباً احساسات جدایی‌طلبانه را در میان آذری‌های ایران زنده کند.

۶. **تقویت حضور ناتو در منطقه.** ناتو در چارچوب سیاست نگاه به شرق همکاری‌های متنوعی را با کشورهای آسیای میانه و قفقاز پیگیری می‌کند (کولایی، تیشه‌یار و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۳، ۱۳۷-۱۲۳). با توجه به عضویت ترکیه در ناتو، برخی از تحلیل‌گران و نخبگان سیاسی ج.ا. ایران اساساً طرح موسوم به «کریدور میانی» و حلقه زنگه‌زوز آن را طرحی غربی برای گسترش ناتو در سرتاسر امتداد این کریدور به شرق معرفی می‌کنند که دربرگیرنده

^۱. متن شعری که اردوغان خواند: ارس را جدا کردند و آن را با میله و سنگ پر کردند/ من از تو جدا نمی‌شدم به‌زور جدا کردند.

مرزهای شمالی ایران، منطقه قفقاز و آسیای میانه تا سین کیانگ در چین است. بر این پایه، آن را «کریدور توران ناتو» نام گذاری کرده اند که هدفش ضربه زدن به منافع سه کشور ایران، چین و روسیه است. از این رو، به نظر آن ها این طرح بیش از آنکه ماهیت اقتصادی و فنی داشته باشد، دارای ماهیت سیاسی، امنیتی و نظامی است. به نوشته یک کارشناس باورمند به این طرح «از آنجاکه منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به عنوان هارتلند، تنها منطقه ای است که این سه کشور را به هم متصل می کند، بنابراین مستعدترین کانون جغرافیایی برای ضربه زدن به آن هاست و موتور محرکه آن ترویج ایده پان ترکیسم و پان تورانیسم می باشد» (کاظمی، ۱۴۰۱). در میان نخبگان سیاسی ایران، کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در تحلیلی مشابه، کریدور زنگه زور را بخشی از طرح «کریدور توران ناتو» معرفی کرده که از سوی ترکیه و اسرائیل برای گسترش حضور ناتو در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی دنبال می شود و هدفش جلوگیری از شکل گیری همکاری بین سه کشور ایران، چین و روسیه می باشد (Shokri, 2022).

در برابر تفسیر فوق، گروهی از کارشناسان موضع مخالف دارند و مدعی هستند هدف اصلی این کریدور توسعه ناتو و دست کم به منظور ضربه زدن به ایران نیست. به استدلال آن ها ترکیه حدود هفتاد سال است که عضو ناتوست و در طول این مدت ایران عملاً با ناتو همسایه بوده است و از این ناحیه آسیایی متوجه ایران نشده و تاکنون ایران از این بابت هیچ ابراز نگرانی نکرده است. به علاوه، آذربایجان هم تاکنون هیچ درخواستی مبنی بر الحاق به ناتو نداده و در آینده نزدیک نیز با توجه به حساسیت های روسیه احتمال چنین درخواستی اندک یا دور از انتظار است (سلیمانی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، اگر این کریدور طرح ناتو باشد طبیعتاً روسیه نمی بایست معمار آن در جریان مذاکرات مربوط به توافقنامه آتش بس باشد و به عنوان متکفل نظارت بر ترانزیت در آن برگزیده شود.

۷. گسترش روابط آذربایجان با اسرائیل. اسرائیل و جمهوری آذربایجان روابط بسیار نزدیک و حسنه ای دارند. بعد از فروپاشی شوروی، اسرائیل جزء اولین کشورهای بود که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت و متعاقباً در سال ۱۹۹۳ سفارت خود را در باکو افتتاح کرد. از آن زمان تا به امروز روابط دو کشور رو به گسترش بوده است، به گونه ای که اکنون یکی از بزرگ ترین شرکای تجاری یکدیگر به شمار می روند. حجم تجارت سالیانه آن ها افزون بر ۵ میلیارد دلار است که در مقام مقایسه از حجم روابط تجاری اسرائیل با فرانسه بیشتر است. بر اساس اسناد ویکی لیکس، الهام علی اف روابط کشورش با اسرائیل را به کوه

یخی تشبیه کرده است که تنها بخش کوچکی از آن قابل دیدن است (کولایی، اسدی‌کیا و روا، ۱۳۹۵: ۳). آذربایجان با تأمین حدود ۴۰ درصد از انرژی موردنیاز اسرائیل مهم‌ترین کشور تأمین‌کننده انرژی آن می‌باشد. از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان بخش اعظم جنگ-افزارهای خود را از اسرائیل وارد کرده و از این رو نوسازی سیستم‌های نظامی و برتری در جنگ دوم قره‌باغ را تا حد زیادی مدیون اسرائیل است.

تهدیدات خارجی نقش مهمی در نزدیکی استراتژیک آذربایجان و اسرائیل ایفا کرده است (کولایی، اسدی‌کیا و روا، ۱۳۹۵: ۲۴). مقامات جمهوری آذربایجان عمدتاً به منظور غلبه بر ارمنستان، به‌ویژه در مسئله قره‌باغ، به توسعه روابط با اسرائیل روی آورده‌اند و در این میان به دنبال دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی اسرائیل و کسب حمایت لابی صهیونیستی بوده‌اند. در مقابل، اسرائیل نیز در قالب «دکترین پیرامونی» به روابط خود با جمهوری آذربایجان می‌نگرد که به نظر می‌رسد بخش مهمی از هدف آن، مقابله با ج.ا.ایران در ابعاد سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و حتی اقتصادی است (مؤمنی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۴۱۵).

به باور دولتمردان جمهوری اسلامی ایران آغاز به کار گذرگاه زنگه‌زور در چارچوب طرح کریدور میانی که شاخه فرعی آن می‌تواند از طریق ترکیه تا بندر حیفا و تل‌آویو امتداد یابد، حضور اسرائیل در آذربایجان و مرزهای ایران را تسهیل و بیش‌ازپیش تحکیم می‌کند. ایران مدعی است جمهوری آذربایجان دارای انبار عظیمی از تسلیحات پیشرفته ساخت اسرائیل، به‌ویژه پهبادهای تهاجمی و شناسایی، است. با توجه به روابط گسترده آذربایجان و اسرائیل، تهران باکو را به میزبانی از عوامل اطلاعاتی اسرائیل برای رصد اطلاعاتی ایران از خاک آذربایجان متهم می‌کند. به باور مقامات ایرانی، عوامل عملیات خرابکارانه اسرائیل علیه برنامه‌های هسته‌ای و عوامل نظامی-امنیتی ایران عمدتاً از طریق خاک آذربایجان وارد کشور می‌شوند یا مورد هدایت و حمایت قرار می‌گیرند. از این رو، ارتش جمهوری اسلامی ایران در اول اکتبر ۲۰۲۱ رزمایشی بنام «فاتحان خیبر» در نزدیکی مرز آذربایجان برگزار کرد تا باکو را به خاطر میزبانی از جاسوسان اسرائیلی تهدید کند. در همین چارچوب، رئیس‌جمهور ایران در حاشیه «کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی آسیا» (سیکا CICA) که در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ در آستانه برگزار شد، از الهام علی‌اف به دلیل «اطاعت از اسرائیل» انتقاد کرد (Haridy, 2022). همچنین، کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در گفتگویی یادآور شد: «بی‌تردید رژیم صهیونیستی بدون توقع در آذربایجان لانه نکرده است و اهداف شومی در سر می‌پروراند که آتش جنگ را در منطقه شعله‌ور می‌کند که

فاجعه‌ای مصیبت‌بار خواهد بود. توصیه ما به مقامات آذربایجان این است که توهم خرید امنیت از طریق توسل به نیروهای بیگانه را از سر بیرون کنند و بر مردم خود متکی باشند» (فارس نیوز، ۱۳ مهر ۱۴۰۰).

برخی از کارشناسان ایرانی در اشاره به خطر حضور عوامل اسرائیلی در جمهوری آذربایجان اشاره می‌کنند که «رژیم صهیونیستی همان راهبردی را از طریق حضور در مناطق مرزی ایران و آذربایجان دنبال می‌کند که ایران برای سالیان متمادی از طریق حضور در مناطق مرزی لبنان و سوریه برای مقابله با اسرائیل پیگیری کرده است» (بهمن، ۱۴۰۱). به باور آن‌ها، امروزه این خطر پیچیده‌تر شده و گسترش ارتباطات زمینی در قالب کریدورهایی که آذربایجان برنامه ساخت آن را به‌طور جدی پیگیری می‌کند شکل جدی‌تری به خود گرفته است. به‌ویژه اینکه اخیراً آذربایجان سفارت خود را در تل‌آویو افتتاح کرد و در نوامبر ۲۰۲۲ مختار محمداف را به‌عنوان اولین سفیر در اسرائیل معرفی نمود. از سوی دیگر، در اسرائیل بنیامین نتانیا‌هو بار دیگر به نخست‌وزیری رسیده و در رأس کابینه‌ای قرار دارد که تندروترین کابینه تاریخ اسرائیل بشمار می‌رود و ج.ا.ایران را به‌عنوان دشمن شماره یک معرفی می‌کند و اولویت نخست خود را مقابله با این تهدید دانسته است.

۸. حضور نیروهای روسی در مرز ایران. بر اساس توافق‌نامه آتش‌بس نیروهای روسی برای حفظ صلح در خط تماس نیروهای آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ و همچنین برای نظارت بر ترانزیت در کریدورهای لاجین و زنگه‌زور در منطقه مستقر می‌شوند؛ استقرار و حضوری که بر اساس این توافق‌نامه برای دوره‌های پنج‌ساله به‌طور نامحدود قابل تمدید است. بنا بر تحلیل کارشناسان ایرانی، به‌ویژه تحلیل‌گران منتقد غیر حکومتی، این امتیاز به روسیه امکان می‌دهد که به بهانه صلح‌بانی و حفظ امنیت حضور خود را در منطقه دائمی کند و از این رهگذر با اشراف اطلاعاتی و توسعه نفوذ در مرز ایران سیاست‌های مداخلاتی خود را به‌طور موفقیت‌آمیز به‌پیش ببرد (اصولی، ۱۴۰۱: ۲۳۲). تجربه حضور نظامی روسیه در ارمنستان از طریق ایجاد پایگاه نظامی دائمی (در گیومری، نزدیک ایروان) نشان می‌دهد که عملاً سرحدات ارمنستان با کشورهای همسایه‌اش توسط نیروهای نظامی روسیه کنترل می‌شوند. برای مثال، روسیه به بهانه کنترل قاچاق مواد مخدر پست جدید بازرسی در مقری نزدیک نقطه مرزی ارمنستان با ایران (نوردوز) مستقر کرده و کامیون‌های ایرانی را مورد بازرسی قرار می‌دهد که موجب معطل شدن و نارضایتی رانندگان و صاحبان کالا و افزایش هزینه‌های آن‌ها می‌شود (سلیمانی، ۱۴۰۱).

به باور برخی از کارشناسان حوزه مطالعات اوراسیای مرکزی، روسیه در معادلات قره‌باغ با زیرکی خود را به مرز ایران رسانده است. به نظر آن‌ها، «اصولاً پوتین امنیت مرزهای روسیه را در چارچوب مرزهای اتحاد شوروی می‌بیند. استقرار نیروهای نظامی روسیه در منطقه به نام نیروی پاسدار صلح برای حل نهایی مسئله قره‌باغ یک بازی سیاسی-نظامی و استراتژیک است. جایی که روسیه حضور پیدا کند برای همیشه خواهد ماند» (خدایی، ۱۴۰۰) روسیه یک نقطه استراتژیک در قره‌باغ ایجاد کرده تا اشراف کامل بر منطقه داشته باشد؛ یعنی قفقاز، آسیای مرکزی، دریای خزر و سرتاسر جغرافیای ایران از بلندی‌های این منطقه با رادارهای مدل پچورا می‌تواند تا ۶ هزار کیلومتر تحت پوشش اطلاعاتی قرار گیرد. این در حالی است که با تعطیلی رادار قبله در آذربایجان، روسیه قدرت رصد در منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را از دست داده بود. خلاصه اینکه، در صورت راه‌اندازی کریدور زنگه‌زور کنترل استراتژیک در دست روسیه خواهد بود (خدایی، ۱۴۰۰). تأسیس پایگاه‌های نظامی روسیه و به تبع آن استقرار دستگاه‌های استراق سمع و به احتمال زیاد تأسیس پایگاه‌های موشکی در این منطقه در سال‌های آینده تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایران است که به دلیل گرفتار شدن رسانه‌های داخلی در بازی روس‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (اصولی، ۱۴۰۱: ۲۳۲). البته، به دلیل تحولات جنگ اوکراین و تمرکز روسیه بر این مسئله نباید انتظار داشت که آثار این تهدید در کوتاه‌مدت پدیدار شود.

نتیجه‌گیری

منافع امنیتی ایران در قفقاز جنوبی شامل حفظ ژئوپلتیک مرزها، حفظ تمامیت ارضی، حفظ حاکمیت ملی و استقلال، حفظ وحدت ملی، حفظ صلح، انتقال انرژی و سرانجام توسعه اقتصادی است که در یک رویکرد واقع‌گرایانه در سایه حفظ توازن منطقه‌ای قدرت تأمین می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایجاد کریدور زنگه‌زور در خاک ارمنستان، بر پایه برنامه‌های اعلام‌شده از سوی محور جمهوری آذربایجان-ترکیه، می‌تواند توازن منطقه‌ای قدرت را به ضرر ج.ا.ایران تغییر دهد؛ بنابراین پیشبرد این پروژه تهدیدی امنیتی علیه منافع ژئوپلتیک و اقتصادی ج.ا.ایران تلقی می‌شود که اهم موارد آن عبارت‌اند از: امکان تغییر ژئوپلتیک مرزها از طریق انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان؛ امکان همگرایی ارمنستان با بلوک غرب و تشدید تنهایی استراتژیک ج.ا.ایران؛ کاهش مزیت‌های ترانزیتی ایران در محور شمال-جنوب؛ افزایش نفوذ ترکیه در منطقه؛ به مخاطره افتادن حاکمیت ملی و تمامیت

سرزمینی از طریق پیشبرد طرح پان ترکیستی و احیای قوم‌گرایی آذری؛ تقویت حضور ناتو، اسرائیل و روسیه در مرزهای شمالی کشور.

در میان تهدیدهای امنیتی فوق‌الذکر، آنچه در محافل ایرانی به‌عنوان مهم‌ترین تهدید مورد تأکید قرار گرفته، امکان تغییر ژئوپلیتیک مرزها و از بین رفتن مرز زمینی ایران و ارمنستان است. بر این پایه، جمهوری اسلامی ایران نسبت به اجرای این پروژه واکنش و هشدار داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به برگزاری رزمایش در نقاط مرزی شمال غرب و همچنین فعال کردن مجاری همکاری دیپلماتیک با ارمنستان و روسیه برای اقلان این کشورها به مخالفت با این پروژه اشاره کرد. این واکنش‌ها هرچند ممکن است از تغییر ژئوپلیتیک مرزها جلوگیری کند، اما سایر تهدیدهای ناشی از برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور را به‌طور کامل منتفی نمی‌کند؛ زیرا ساخت این کریدور و بهره‌برداری از آن به‌عنوان بخشی از کریدور میانی، بدون انسداد مرز زمینی ایران و ارمنستان نیز امکان‌پذیر است. در این صورت به نظر می‌رسد تهدید واقعی، از بین رفتن مزیت‌های ترانزیتی ایران در معادلات انتقال انرژی در سطح جهانی به‌ویژه در کریدور شمال- جنوب است که اثرات منفی بلندمدت و پایدارتری علیه منافع ایران به همراه دارد. بهره‌برداری از کریدور زنگه‌زور به‌عنوان بخشی از کریدور میانی برای انتقال منابع انرژی دریای خزر، نقشه ژئوانرژی جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این چارچوب، کشورهای اروپایی از طریق آذربایجان و سپس ترکیه، با دور زدن ایران و روسیه، به منابع انرژی دریای خزر دسترسی پیدا می‌کنند.

بی‌تردید، موفقیت اجرای برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور مستلزم توجه به ملاحظات ژئوپلیتیکی و نگرانی‌های امنیتی ایران است. مشارکت بخشیدن به همه بازیگران منطقه‌ای می‌تواند از طریق اتصال کریدورهای شمال- جنوب و میانی از طریق تبدیل ژئوپلیتیک به ادغام اقتصادی ضمن تقویت همگرایی منطقه‌ای منافع سرشاری را برای همه کشورهای منطقه به همراه داشته باشد؛ اما شوربختانه اختلافات سیاسی ناشی از بی‌اعتمادی انجام این کار را دشوار می‌سازد.

نهایتاً اختلافات ایران و آذربایجان در ارتباط با پروژه کریدور زنگه‌زور ممکن است یکی از مسی‌های زیر را طی کند:

۱. جنگ و درگیری نظامی: ادامه پافشاری باکو با حمایت آنکارا بر ساخت کریدور راهبردی زنگه‌زور به بهای نادیده گرفتن نگرانی‌های ایران، ممکن است تهران را در شرایط معمای امنیتی به سمت انتخاب گزینه جنگ سوق دهد. به نظر می‌رسد احتمال تحقق این سناریو

ضعیف است؛ زیرا در شرایطی که ایران زیر تحریم‌های شدید غرب قرار دارد و پرونده هسته‌ای همچنان لاینحل باقی مانده است، ورود در جبهه جدید درگیری که می‌تواند مداخله ناتو را به دنبال داشته باشد، گزینه معقول و مطلوب نخواهد بود. در این شرایط و با تداوم بحران اقتصادی و اعتراض‌های داخلی، هرگونه اقدام نظامی از سوی ج.ا.ایران می‌تواند بر اساس تئوری جنگ انحرافی (انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی به جنگ با دشمن خارجی) نیز مورد تحلیل قرار گیرد.

۲. تشدید فشار/ایران به جمهوری آذربایجان: در این سناریو ممکن است ایران به منظور اعمال فشار به آذربایجان برای چشم‌پوشی از تکمیل کریدور زنگه‌زور، اقدام به یک سری عملیات محدود در مناطق مرزی به بهانه هدف قرار دادن برخی عوامل و پایگاه‌های اسرائیلی کند.

۳. تنش‌زدایی با میانجی‌گری روسیه: مسکو نقش مهمی در کنترل تعاملات در قفقاز دارد و مراقب است که اوضاع به سمت تشدید درگیری‌ها کشیده نشود. مسکو اعلام کرده است که مخالفت ایران با برنامه ساخت کریدور زنگه‌زور بی‌مورد است، زیرا این کریدور، نه در ایران که در ارمنستان ساخته می‌شود. این امر نشان‌دهنده حمایت تلویحی روسیه از این پروژه است که ممکن است با اعمال فشار به ایران برای سازش در این موضوع همراه باشد.

منابع و مآخذ

فارسی

اصولی، قاسم (۱۴۰۱). تقابل و نظم؛ سیاست امنیتی آمریکا و روسیه در قفقاز جنوبی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

افضلی، رسول؛ سیدی اصل، سید محمد؛ محمودی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). «تبیین روابط ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد سازه‌نگاری». مطالعات اوراسیای مرکزی. (۲)، ۲۶۴-۲۳۷. doi: 10.22059/jcep.2014.52977

برکشلی، فریدون (۱۴۰۱). «باخت ایران در دالان زنگه‌زور». روزنامه آرمان ملی، ۳۰ شهریور. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۲/۱۱. قابل دسترسی در:

<https://www.pishkhan.com/news/279032>

بهمن، شعیب (۱۴۰۱). «نقشه جدید علی‌اف برای تهران». عرشه آنلاین. ۲۹ دی. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۱/۱۲. قابل دسترسی در:

<https://www.arshehonline.com/fa/tiny/news-66495>

پاک آیین، محسن (۱۴۰۰). «کریدور زنگه‌زور در چه صورتی منافع ایران را تهدید می‌کند؟» خبر آنلاین، ۱۳ آذر، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۱/۱۲، قابل دسترسی در:

<https://www.khabaronline.ir/news/1579150>

تقوایی، احسان (۱۴۰۱). «هشدار تهران به باکو و آنکارا»، دیپلماسی ایرانی. ۲۶ مهر. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۱/۱۲، قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2015266>

حسینی تقی‌آباد، سید مهدی؛ علیزاده، شیوا (۱۳۹۸). «دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان» جستارهای سیاسی معاصر. ۱۰(۴)، ۲۴-۱. doi: 10.30465/cps.2020.28380.2377

خدایی، ابوالفضل (۱۴۰۰) «پشت‌پرده قره‌باغ و کریدور جعلی زنگزور؛ پوتین با زیرکی به مرز ایران رسید». پایگاه خبری تحلیلی تیک. ۲۶ دی. قابل دسترسی در: <http://tik.ir/fa/news/372502>

دهقانی، سید جلال (۱۳۸۹). «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی». فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. ۶(۱۷)، ۲۳۹-۲۰۸. ۲۰۸-۲۳۹. ۱۷.۷.۳. ۱۳۸۹.۶.۱۷.۷.۳. ۲۰۱۰.۱.۱.۱۷۳۵۴۳۳۱.۱۳۸۹.۶.۱۷.۷.۳. ۲۰۱۰.۱.۱.۱۷۳۵۴۳۳۱.۱۳۸۹.۶.۱۷.۷.۳. ۲۰۱۰.۱.۱.۱۷۳۵۴۳۳۱.۱۳۸۹.۶.۱۷.۷.۳. روزنامه شرق (۱۴۰۱). «بلندپروازی در باکو». شبکه شرق. ۸ شهریور بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۱/۱۱. قابل دسترسی در

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-854582>

سلطانی، حسین؛ خسروی، علیرضا (۱۴۰۱). «کریدور شمال و جنوب و تعاملات ایران و آذربایجان». فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ۲۸(۱۹)، ۳-۲۸.

سلیمانی، افشار (۱۴۰۱). «زنگه‌زور؛ نقطه تعامل یا تقابل». روزنامه جهان صنعت. ۹ مهر. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۲/۱۱. قابل دسترسی در: <https://jahanesanat.ir/?p=286196>

سلیمی، عبدالسلام (۲۰۲۲). «چرا ایران پیوسته به توافق زنگه‌زور اعتراض می‌کند» خبرگزاری آناتولی. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۱/۱۲. قابل دسترسی در

<https://www.trt.net.tr/persian/brnmh-h/2022/08/18/ay-twfq-b-tjym-sd-dr-swryh-mkhnphdhyr-st-1869729>

شورای راهبردی روابط خارجی ایران (۱۴۰۱). «پیامدهای راهبردی تلاش برای تغییرات مرزی غیرقابل قبول در قفقاز جنوبی». سایت شورای راهبردی روابط خارجی. ۱۴ آبان. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱۲/۱۱. قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa/?p=146919>

عباسی، مجید؛ نور محمدی، مرتضی؛ موسوی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۴(۱۲)، ۸۳-۱۱۷.

فارس نیوز (۱۴۰۰). «توصیه ایران به حیدر علی‌اف چه بود؟» خبرگزاری فارس. ۱۳ مهر. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱. قابل دسترسی در:

<https://www.farsnews.ir/news/14000713000300>.

کاظمی، احمد (۱۴۰۱). «دالان تورانی ناتو علیه کیست؟». خبر آنلاین، ۱۲ شهریور، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۴. قابل دسترسی در:

<https://www.khabaronline.ir/news/1669730>

کبنانیوز (۱۳۹۹). «شعرخوانی جنجالی اردوغان از ارس». سایت کبنا نیوز. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱. قابل دسترسی در: <https://www.kebnanews.ir/report/428431>

- کولایی، الهه (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز». مطالعات اوراسیای مرکزی. (۱)، ۷۰-۴۷.
- کولایی، الهه (۱۴۰۱). سیاست و حکومت در آسیای مرکزی. چاپ نهم. تهران: سمت
- کولایی، الهه؛ اسدی کیا، بهناز؛ روا، سارا (۱۳۹۵). «عوامل و موانع گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۸(۲۹)، ۳۰-۱.
- کولایی، الهه؛ تیشه‌یار، ماندانا؛ محمدی، محمود (۱۴۰۰). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی؛ دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها، چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کولایی، الهه؛ نوروزی زرمهری، عابد. (۱۴۰۰). «همکاری ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان در ایجاد راه گذر شمال- جنوب و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران». فصلنامه سیاست. ۵۱(۳)، ۸۱۱-۷۸۹. Doi:10.22059/jpq.2021.318617.1007743
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲). «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی». فصلنامه علمی راهبرد. ۲۲(۲)، ۱۹۲-۱۶۵.
- Doi: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1392.22.2.5.6>
- مصطفوی، محسن (۱۱۴۰۰). «دالان زنگه‌زور و امنیت ملی ایران». سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. ۵ دی، بازیابی شده در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۴۰۱، قابل دسترسی در: <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-12-26/4954>
- مصلى نژاد، عباس (۱۳۹۰). «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی». پژوهش‌های روابط بین‌الملل. (۱)، ۱۵۸-۱۳۱.
- مؤمنی، مجیدرضا؛ رحیمی، امید (۱۳۹۶). «تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی- امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان». مطالعات اوراسیای مرکزی. (۲)، ۴۳۱-۴۱۵. doi: 10.22059/jcep.2018.210209.449655

لاتین

- Bakir, Ali (2022). "Why Iran is sabotaging an Armenia Azerbaijan peace deal". The New Arab. 28 Nov., accessed date: 2/2/2023. Available at: <https://www.newarab.com/analysis/why-iran-sabotaging-armenia-azerbaijan-peace-deal>.
- Blank, Stephen (2022) "Armenia Must Build the Zangezur Corridor". The international interest, 20 Sep. accessed date: 3/2/2023. Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/armenia-must-build-zangezur-corridor-204894>.
- Haridy, Sherif (2022), "Examining the Iranian-Azeri tensions over Zangezur Corridor", Future, 29 Nov. accessed date: 20/1/2023. Available at: <https://futureuae.com/en-US/Mainpage/Item/7826/vicious-cycle-examining-the-iranian-azeri-tensions-over-zangezur-corridor>.
- Jam news (2021). "What will become of the Zangezur corridor? Comments from Azerbaijan and Armenia". Jam news, 21 Ap., access date: 28/2/2023 Available at: <https://jam-news.net/what-will-become-of-the-zangezur-corridor-comments-from-azerbaijan-and-armenia>.
- Ketanci, Aysegul (2022). "Importance of Zangezur Corridor for the region explained". Analysis. 21 Dec. accessed date: 3/2/2023. Available at:

- <https://www.aa.com.tr/en/analysis/3-questions-importance-of-zangezur-corridor-for-the-region-explained/2769019>.
- Mammadli, Rovshan (2023). "Iran's growing influence in the South Caucasus". IPS Journal. Accessed date: 3/2/2023. Available at: [https://www.ips-journal.eu/topics/democracy-and-society/irans-growing-geopolitical-position-in-the-south-caucasus-6459./](https://www.ips-journal.eu/topics/democracy-and-society/irans-growing-geopolitical-position-in-the-south-caucasus-6459/)
- Morning Express (2021). "Ilham Aliyev: Zangezur Corridor will unite the entire Turkic world". Morning Express, 12 Nov., access date: 4/2/2023. Available at: <https://morningexpress.in/ilham-aliyev-zangezur-corridor-will-unite-the-entire-turkic-world>.
- PRW (2020). "Statement by President of the Republic of Azerbaijan, Prime Minister of the Republic of Armenia and President of the Russian Federation", President of Russia Website. 10 Nov., accessed date: 12/11/2022. Available at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/64384>
- Shalaby, Sondos (2021). "Iran-Azerbaijan: What is behind the recent tensions?" Middle East Eye. 9 Oct., accessed date: 3/2/2023. Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/iran-azerbaijan-tensions-explained>.
- Shokri, Umud (2022). "Why Iran opposes Zngezur Corridor Project". Gulf International Forum. 28 Sep., accessed date: 4/2/2023. Available at: <http://gulfif.org/why-iran-opposes-azarbaijans-zangezur-corridor-Projec>.
- TASS (2021). "Yerevan to provide no corridor for Baku". Russian News Agency, 19 May. access date: 28/2/2023. Available at: <https://tass.com/world/1291617>
- Veliyev, Cavid (2022). "Iran's frustration with the Zangezur Corridor". Eurasia Daily Monitor, 23 Sep., vol. 19. Issue 140. accessed date: 3/2/2023. Available at: <https://jamestown.org/program/irans-frustrations-with-the-zangezur-corridor>.
- Winrow, Gareth M. (2000). Turkey and the Caucasus: Domestic Interests and Security Concerns. London: Royal Institute of International Affairs.